



بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس
سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس

سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس

کارگروه تخصصی بررسی متون کلان پروژه های مطالعاتی دفاع مقدس

عنوان: چکیده عملیات خیبر (پیوست ها)

مجری: تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس ۰۲۱-۲۶۴۰۳۰۴۳

اعضای کارگروه: غلامپور، احمد - زهدی، یعقوب - جعفری، فتح الله - کاظمی، سید اصغر - مراد پیری، هادی -

علاماتی، غلامرضا - بایرامی، عباس

تدوین: خانی آرانی، عباس

ویراستار: امیرخانی، مسعود

سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس - پاییز ۱۴۰۳

آدرس: تهران، بزرگراه شهید حقانی شرق به غرب، ابتدای خیابان کوشا، ساختمان آرشیو ملی، طبقه همکف

تلفن: ۰۲۱-۲۶۴۰۳۰۴۳ - دورنگار: ۰۲۱-۲۶۴۰۳۰۰۵

آدرس سایت: www.defadocs.ir

پست الکترونیک: info@defadocs.ir



پیوست‌های عملیات خیبر

پیوست شماره ۱

حوادث و اتفاقات مؤثر در اجرای عملیات خیبر

الف) در حوزه منطقه‌ای و جهانی

تا قبل از انجام عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲، یعنی در سال چهارم جنگ، اتفاقات زیر، که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در روند دفاع مقدس تأثیرگذار بود، در حوزه منطقه‌ای و جهانی به وقوع پیوست:

۱. اعلام تصمیم آمریکا مبنی بر حمایت علنی از عراق از سوی وزارت خارجه آمریکا و ابراز نگرانی این کشور از پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ با عراق.
۲. سفر ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا به عراق و ملاقات با صدام در هفتم بهمن‌ماه و سپس به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به منظور هماهنگی و پشتیبانی از عراق.
۳. تصویب قطعنامه ۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل درباره جنگ ایران و عراق در ۹ آبان ۱۳۶۲.
۴. انفجار مقر تفنگ‌داران آمریکا، فرانسه و رژیم اشغالگر قدس در پایتخت لبنان به دست جنبش حزب‌الله و خروج این نیروها از بیروت.^۱

ب) در حوزه داخلی

در حوزه داخلی نیز موارد تأثیرگذار زیر بر جبهه‌ها و شرایط جنگی کشور حادث شد:

۱. دستگیری سران حزب توده و ناخداایکم بهرام افضلی فرمانده وقت نیروی دریایی و سرهنگ هوشنگ عطاریان فرمانده وقت جبهه‌های میانی نیروی زمینی ارتش به دلیل جاسوسی و حمایت علنی شوروی سابق از آنان.
۲. تشدید تحریم‌های اقتصادی غرب و ممانعت از ارسال هرگونه تجهیزات نظامی به ایران.
۳. تشدید حملات هوایی عراق به کشتی‌ها، نفت‌کش‌ها و همچنین تأسیسات نفتی ایران با استفاده از هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک‌های اگزوست به منظور جلوگیری از صدور نفت و در نتیجه افزایش نرخ بیمه نفت‌کش‌ها و بالا بردن حق سورشارژ کشتی‌های تجاری در بنادر ایران.
۴. سفر تورگوت اوزال نخست‌وزیر ترکیه به ایران و گشودن باب مذاکره سیاسی به‌وسیله غرب.

^۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، «عملیات خیبر، تصرف جزایر مجنون (طراحی، اجرا، نتایج و بازتاب‌ها)»،



۵. اعزام بزرگ یک‌صد هزار نفری نیروهای داوطلب سپاهیان حضرت محمد (ص) به جبهه‌های نبرد.

پیوست شماره ۲

مراحل و دوره‌های مدیریتی در دفاع مقدس

توضیح مختصری در زمینه مراحل چهارگانه مدیریت جنگ مرتبط با عوامل، موضوعات و مسائلی که سبب شد سپاه برای اجرای عملیات به منطقه هورالهوریزه روی آورد و تصمیم به اجرای عملیات خیبر در این منطقه بگیرد:

مدیریت دوره اول جنگ: مدیریت کمتر از یک سال اول جنگ (از شهریور ۱۳۵۹ تا نیمه دوم خرداد ۱۳۶۰) با بنی‌صدر است.

مدیریت دوره دوم جنگ: مدیریت دوره دوم مدیریت حدود چهارماهه شهید فلاحی است. پس از رأی مجلس به بی‌کفایتی بنی‌صدر و خروج او از گردونه سیاست کشور و جنگ، شهید فلاحی ازسوی حضرت امام (ره) به‌عنوان فرمانده جنگ و جانشین ایشان تعیین شد که متأسفانه در حادثه سقوط هواپیمای C۱۳۰ به شهادت رسید.

مدیریت دوره سوم: این دوره با تحولی اساسی و تعیین‌کننده در سطح فرماندهی، که با انتصاب محسن رضایی به فرماندهی کل سپاه و علی صیادشیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش همراه بود، نقطه عطفی را در روند مدیریت جنگ رقم زد. این دو فرمانده تصمیم گرفتند، با تشکیل قرارگاه مشترک، مدیریت جنگ را از حالت قبلی خارج کنند و با یک برنامه‌ریزی کامل سلسله عملیات‌هایی را به تصویب برسانند. درواقع، این دو نفر این دوره از جنگ را، که تا اواخر سال ۱۳۶۲ به طول انجامید، بدون واسطه و با هدایت و راهنمایی حضرت امام (ره) اداره کردند.

مدیریت دوره چهارم جنگ: دوره چهارم دوره‌ای است که آیت الله هاشمی رفسنجانی مدیریت آن را بنابه دلایلی از اواخر سال ۱۳۶۲ تا پایان جنگ به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا برعهده گرفتند.^۲

^۲ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، برگرفته از: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس سپاه، دوره‌های تربیت مربی، دانشگاه امام حسین (ع)، «تحلیل عملیات‌های خیبر و بدر توسط سردار احمد غلام‌پور»، رزمنده پیش‌کسوت و از فرماندهان شاخص سپاه و قرارگاه کربلا در دفاع مقدس، تهران، سال ۱۳۸۸.



فعالیت‌ها و اقدامات مهندسی رزمی در عملیات خیبر^۳

انجام هر عملیات جنگی نیاز به فعالیت‌های گسترده مهندسی به منظور آماده‌سازی عقبه‌ها و همچنین سازمان‌دهی تلاش‌ها برای انجام اقداماتی در حین عملیات دارد. بنابراین، طراحی عملیات نظامی جدید خیبر، قبل از هر چیزی، نیازمند تمهیدات و آماده‌سازی قبلی برای در هم شکستن نیروهای دشمن بود. نقش واحدهای مهندسی، که بخش عمده اقداماتشان تسهیل عبور رزمندگان در هر عملیات با احداث یا ترمیم جاده، ایجاد اسکله، ساخت و نصب پل، باز کردن معابر و پاک‌سازی میادین مین و ... است، برای رسیدن به اهداف عملیات بسیار مهم و انکارناپذیر است. نوع اقدامات مهندسی در هر عملیات به عوامل طبیعی، جغرافیایی، وضعیت دشمن و همچنین موقعیت نیروهای عمل‌کننده و چگونگی استقرار و توانایی‌های فنی آنان و موانع ایجادشده و اهمیت سوق‌الجیشی منطقه بستگی دارد.

در عملیات خیبر، طرحی به نام «عملیات متمرکز مهندسی» مطرح شد. در این طرح، کلیه واحدهای مهندسی لشکرها و تیپ‌ها مستقیماً و به‌طور جمعی زیر نظر یک فرماندهی واحد، که همان «مهندسی قرارگاه» باشد، وارد عملیات می‌شدند تا از ایجاد هر نوع ناهماهنگی جلوگیری شود. بدیهی است مهندسی رزمی در این مقطع نیز، با توجه به شرایط فیزیکی و جغرافیایی منطقه، دست به اجرای طرح‌ها و برنامه‌های خاص آن شرایط زده که به امکانات و توان نیروهای یگان‌های مهندسی رزمی شرکت‌کننده در عملیات وابسته است.

فصل مشترک فعالیت‌های مهندسی هر عملیات در تثبیت و تأمین خلاصه می‌شود. مرحله قبل از عملیات شامل آماده‌سازی زمینه پیشروی نیروهاست؛ مراحل کار مهندسی رزمی در حین عملیات

^۳ اسناد و منابع مورد استفاده در این بخش: «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ستاد کل نیروهای مسلح، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس وزارت جهاد کشاورزی، مهندس عبدالله فاتحی، نقش و عملکرد جهاد سازندگی در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ۱۳۹۸» و «مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، "عملیات خیبر: تصرف جزایر مجنون"، ۱۳۸۲» و مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، "عملیات خیبر: تصرف جزایر مجنون"، ۱۳۸۲» و «علایی، حسین، تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، جلد دوم، چاپ دوم (با تجدیدنظر و اضافات)، تهران، مرزوبوم، ۱۴۰۱، فصل ششم، تحول در تدابیر نظامی، عملیات خیبر» و «دکتر هاشمی‌فشارکی، سید جواد، اعجاز مهندسی قرن در دفاع مقدس، فصل‌نامه پنجره، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۰، مقاله "کل اقدامات مهندسی رزمی در پیش، حین و بعد از عملیات خیبر"، شرحی بر یکی از اقدامات مهندسی در دوران دفاع مقدس، دلایل نیاز به پل، ۱۳ مهر ۱۳۹۹» و «شمسایی، فتح‌الله و جلالی‌فراهانی، غلام‌رضا، مدیریت مهندسی دفاعی، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، مصاحبه با فرماندهی ارتش بعث عراق در خبرگزاری‌های خارجی».



دربرگیرنده انهدام استحکامات و فراهم کردن ملزومات مهندسی است؛ و مرحله سوم، که باید بعد از عملیات صورت گیرد، تثبیت و به عبارتی مجموعه فعالیت‌های مهندسی رزمی در حفظ و حراست از دستاوردهای عملیات را شامل می‌شود.

قبل از عملیات و زمان آماده‌سازی منطقه، دو اسکله به نام‌های شهید بقایی و شهید باقری با استفاده از دستگاه خاص نهرکنی در دو منطقه ... برای پهلو گرفتن قایق‌ها، سهولت در پیاده و سوار کردن نفرات، و تجهیزات در زمان اجرای عملیات ایجاد شد. همچنین، ایجاد بیمارستان بزرگ صحرائی امام حسین (ع) و هفت اورژانس صحرائی، احداث محل قرارگاه‌های فرماندهی عملیات، احداث جاده‌ها و مواضع و خاکریزهای مورد نیاز عملیات، ایجاد باند فرود و برخاستن بالگردها، ایجاد باند پروازی اضطراری برای فرود و برخاستن هواپیمای C^{۱۳۰} [هرچند استفاده نشد]، و ساخت سایت موشکی هاگ و سکوی پدافند هوایی اورلیکن از اهم اقدامات مهندسی در منطقه بود که به وسیله واحدهای جهاد سازندگی و مهندسی یگان‌های رزمی و نیز قرارگاه مهندسی صراط‌المستقیم، که متشکل از ارگان‌های دولتی زیر نظر وزارت سپاه بود، انجام گرفت.

با شروع عملیات، اقدامات مهندسی با زدن خاکریز یا تقویت خاکریزهای موجود منطقه برای حفظ جان رزمندگان و ایجاد سد برای جلوگیری از نفوذ آب رهاشده به وسیله دشمن به طرف خطوط خودی برای ایجاد مانع از ادامه عملیات و ... همچنان ادامه پیدا کرد و پس از رفتن دشمن به پدافند و اتمام مرحله آفندی رزمندگان اسلام، اقدامات مهم تحکیم مواضع، ساخت سنگر، احداث جاده و ... تداوم یافت.

به‌طور کلی، جهاد سازندگی در عملیات خیبر، بدون اینکه در جریان عملیات باشد، اقدامات خود را از حدود یک سال پیش برای آماده‌سازی عقبه‌های منطقه شروع کرده بود. بدین‌منظور، گردان‌های پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد برای احداث جاده‌ها و خاکریزها بین منطقه طلائی تا شط‌علی آماده شدند. فرماندهی قرارگاه جهاد با سید محمد تقی رضوی^۴ بود که در خردادماه ۱۳۶۶ در منطقه سردشت به شهادت رسید.^۵

^۴ سید محمد تقی رضوی اهل مشهد بود و از روزهای اول جنگ به جبهه جنوب رفت. او در روز سوم خرداد ۱۳۶۶ در حال شناسایی در ارتفاعات سردشت در منطقه عملیاتی کربلای ۱۰ بر اثر انفجار گلوله توپ یک پایش را از دست داد و در ۳۲ سالگی به شهادت رسید. پیکر او در ایوان طلای حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

^۵ جهاد سازندگی نهادی انقلابی بود که در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی (ره) با شعار رسیدگی به مناطق محروم و دور افتاده در ایران تأسیس شد. با شروع جنگ تحمیلی، جهاد ضمن انجام رسالت فوق با بسیج نیروهای خود و سازمان‌دهی



در عملیات خیبر، اقدامات مهندسی رزمی و ساخت ادوات مهندسی برای عبور چشمگیر بود که دو اقدام شاخص مهندسی رزمی شامل: پل خیبر و جاده سیدالشهداء (ع) و یکی دو نمونه از فعالیت‌های بارز آن به صورت مختصر ذکر می‌شود:

۱. پل خیبر

در طراحی عملیات خیبر، این پیش‌بینی صورت گرفته بود که با توجه به جغرافیای خاص منطقه و سختی پشتیبانی از رزمندگان در مسیری طولانی از آب، نیاز به احداث پل یا جاده به طول چند کیلومتر ضرورت پیدا کند. لذا از چند ماه قبل از عملیات اقدامات اولیه برای تهیه چنین پلی در دستور کار قرار گرفت. با بررسی پل‌های موجود کشور معلوم شد که تنها دو نوع پل شناور نظامی شامل: پل هجومی PMP و پل تدارکاتی M⁴T⁶ در سازمان ارتش وجود داشت و فقط پل‌های هجومی PMP برای حداکثر طول ۲۷۰ متر و پل تدارکاتی نیز برای عرض محدود آبراه‌ها قابل استفاده بودند. به این ترتیب، هر دو نوع پل به هیچ‌عنوان پاسخگوی نیاز این منطقه نبودند. از طرفی، علاوه بر بادی بودن و آسیب‌پذیری در برابر آتش دشمن، نبود پلی به مقیاس چهارده کیلومتر برای نصب در جهان، تحریم کشور و عدم امکان خرید و زمان بر بودن خرید آن در صورت عدم تحریم، مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوع محدودیت زمان بود که باید مدنظر قرار می‌گرفت و قابل چشم‌پوشی نبود. در نتیجه، تنها راه برای رفع نیاز، ساخت یک پل ابتکاری و خلاقانه بود که این مهم با استفاده از توان و ظرفیت نیروهای انقلابی و جهادی ممکن و انجام‌پذیر بود.

با توجه به این ضرورت، مأموریت انجام این کار به جهاد سازندگی و تأمین مالی آن برعهده مهندسی سپاه پاسداران سپرده شد. جهادگران، پس از دریافت مأموریت، وارد مشاوره و تحقیق شدند و با برگزاری جلسات مکرر بین برادران صاحب‌نظر از ارگان‌های مختلف، کلیه راه‌های ساخت اعم از استفاده از چوب، فلز، فایبرگلاس، سامانه‌های بادی، پل‌های پلاستیکی و غیره بررسی شد. در نهایت، با پیشنهاد یکی از برادران، طرح تلفیق فوم و فایبرگلاس، که توانایی و استحکام پل را در مقابل حملات بی‌وقفه و بی‌امان دشمن بالا می‌برد، مورد تأیید قرار گرفت. مهندس حاج بهروز پورشریفی^۶ از فرماندهان

مردمی وارد میدان نبرد شد و در این راه شهدایی را نیز تقدیم انقلاب کرد و این فرزندان به نشان «سنگ‌سازان بی‌سنگ» از سوی امام راحل نائل شدند. جهاد طی هشت سال جنگ برای جمع‌آوری، ارسال و توزیع کمک‌های مردمی به جبهه‌ها، «ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان و شهرستان» را تشکیل داد و با چهل گردان مهندسی رزمی و چهار قرارگاه عملیاتی و پشتیبانی، در تمامی مراحل دفاع، حضور داشت.

^۶ مهندس شهید حاج بهروز پورشریفی، از فرماندهان عملیات مهندسی جنگ در تیپ مهندسی رزمی ۵۷ فجر جهاد سازندگی، در اولین روز خرداد ۱۳۳۴ در قوریچای تبریز متولد شد. وی تحصیلات مقدماتی خود را در همان شهر ادامه داد و در سال



پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی، در اقدامی ابتکاری و خلاقانه، همه محاسبه‌های لازم از قبیل نیروهای وارد بر پل و اتصال‌ها را برای ساخت پلی با طول چند کیلومتر به اتمام رسانید و برای دفع نیروهای خطرآفرین احتمالی، پیش‌بینی‌های مقدر را انجام داد. پس از آن، پل‌های نمونه در یکی از کارگاه‌های کمیته فنی مرکزی جهاد سازندگی ساخته شد و با آزمایش موفق آن در دریاچه آزادی تهران، کار ساخت قطعات آن به سفارش سپاه به طول سی کیلومتر، که بیش از پنج هزار قطعه را شامل می‌شد، آغاز شد. ساخت این پل با تصویب در هیئت دولت و همکاری چندین وزارت‌خانه و تأمین مواد اولیه موردنیاز توسط این ارگان‌ها، کار تولید آن در چندین کارگاه و کارخانه طی دو ماه و نیم به پایان رسید. سپس، قطعات پیش‌ساخته این پل عظیم، که به نام «پل خیبری» معروف شد، از کارخانجات کشور برای انتقال به پادگان شهید حبیب‌اللهی اهواز آماده شد. انتقال این محموله عظیم، با توجه به وزن و حجم زیاد قطعات، خود یک عملیات حمل‌ونقل پیچیده و سنگین بود که با تلاش و همت وزارت سپاه و بسیج امکانات ترابری کشور به انجام رسید.

با شروع عملیات، به سبب باز نشدن راه خشکی از مسیر طلائی و خلل در تدارک رزمندگان و لزوم پشتیبانی از رزمندگان مدافع در جزایر مجنون که برای تحقق فرمان و تأکید حضرت امام مبنی بر حفظ جزایر فداکاری می‌کردند، ضروری بود تا به سرعت نسبت به نصب پل بین جزایر و عقبه خودی اقدام شود. بنابراین، قطعات پل به اسکله خاکی احداث شده در لب هور منتقل و به کمک جرثقیل به آب انداخته شد. سپس، نفربرهای خشایار واحد زرهی سپاه، زیر آتش توپخانه و بمباران‌های مستمر هوایی دشمن، کار نصب را با یدک کشیدن قطعات و اتصالشان به یکدیگر انجام دادند.

عملیات نصب پل، که از تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۰۹ یعنی از روز ششم عملیات با مدیریت مهندسی قرارگاه نجف اشرف سپاه و از جان‌گذشتگی نیروهای آموزش‌دیده مهندسی سپاه و جهاد و همکاری واحد زرهی آغاز شده بود، در روز جمعه ۱۳۶۲/۱۲/۲۶ به پایان رسید و ارتباط جزیره شمالی با ساحل هورالهویزه در منطقه خودی برقرار و بلافاصله استفاده از آن آغاز شد.

مزیت این پل آن بود که همراه با بالا و پایین رفتن آب هور، بالا و پایین می‌رفت. ضمناً، چنانچه قسمتی از پل در اثر بمباران هواپیماها یا آتش توپخانه دشمن منهدم می‌شد یا آسیب جدی می‌دید،

۱۳۵۶ در رشته عمران از دانشگاه تبریز فارغ‌التحصیل شد. شهید پورشریفی بزرگ‌مردی بود که در دشوارترین و سخت‌ترین شرایط جنگی و وجود موانع طبیعی در منطقه سعی می‌کرد با خلاقیت خود و دوستانش به بهترین و سریع‌ترین طراحی برای عبور و مرور رزمندگان اسلام دست پیدا کند. سردار شهید مهندس حاج بهروز پورشریفی در سال ۱۳۷۴، پس از تحمل چندین سال درد و رنج ناشی از جراحات شیمیایی، بر اثر حادثه رانندگی حین مأموریت به قرار شهادت رسید.



نیروهایی که مأموریت این کار را برعهده داشتند، بلافاصله با استفاده از قطعات یدکی در اطراف پل، آن را تعویض و ارتباط پل را برقرار می‌کردند. با توجه به امکان عبور یک خودرو از روی پل، در مسافت‌های مختلف، بخش‌هایی به شکل پارکینگ تعبیه شده بود تا به تسهیل در امر عبور و مرور و رفت و برگشت خودروها کمک کند.

تا قبل از نصب این پل در منطقه، کلیه کارهای تدارکاتی و حمل و نقل امکانات، مجروحان و مهمات نظامی به وسیله هلی‌کوپتر، هاورکرافت و عمدتاً قایق‌های سپاه و بارج‌های جهاد سازندگی انجام می‌گرفت که به علت وسعت منطقه و اهمیت جزایر مجنون کفایت نمی‌کرد و جزایر در خطر سقوط بود. علاوه بر این، استفاده از هرکدام از وسایل فوق‌الذکر مشکلات و محدودیت‌های زیادی را به دنبال داشت، ولی با نصب این پل، بخش مهمی از مشکلات حمل و نقل و تدارکات جزایر برطرف شد.



با توجه به اینکه غالب مصالح فلزی و شیمیایی مورد نیاز ساخت این پل به خارج از کشور وابسته بود و این امر در شرایط کمبود نقدینگی و محاصره اقتصادی خاصه در تأمین کالاهای نظامی ممکن نبود، باید توان اجرایی کشور متمرکز می‌شد و پای کار می‌آمد تا مأموریت خطیر ساخت پل انجام می‌شد. بنابراین، جلسه‌ای با حضور وزیر صنایع سنگین، بازرگانی، صنایع و معادن و سپاه پاسداران تشکیل شد و کار تأمین اقلام و مواد اولیه، تا اتمام کار ساخت پل، بین آنان تقسیم و طرح و نظارت فنی و پیگیری اجرا به‌عهده جهاد سازندگی گذاشته شد. با توجه به طول زیاد پل، که شامل پنج هزار قطعه می‌شد، تعدادی از کارخانجات وزارت صنایع سنگین و همچنین بعضی از کارخانجات دیگر به اضافه بعضی از کارگاه‌های خصوصی زیر نظر برادران صاحب‌نظر و مطلع در زمینه تهیه فوم و ایجاد فوم و فایبرگلاس فعال شدند و تعدادی دیگر از کارخانجات صنایع فلزی تحت نظارت برادران جهاد سازندگی



در مورد صنایع فلزی شروع به فعالیت کردند. پس از اینکه بسته‌های شناور تولید می‌شدند، به کارخانجات صنایع فلزی مربوطه منتقل می‌شدند.

بخش فلزی پل شامل یک صفحه فلزی و یک شاسی بود که صفحه فلزی سطح پل را می‌پوشاند و لوله‌های نر و مادگی را به دو سر شاسی وصل می‌کرد. بخش شناور پل نیز از دو نوع فوم به نام‌های «پلاستوفوم» و «پلی‌پورتان فوم» ساخته شده بود که برای محافظت فوم در مقابل ضربه‌ها از فایبرگلاس نیز استفاده شده بود. هر قطعه پل دارای چهار بال بود که این بال‌ها هم سطح تماس را زیاد می‌کردند و هم تعادل عرضی پل را حفظ می‌کردند. قطعات این پل به ابعاد ۵*۳ متر و قطر هفتاد سانتی‌متر با سطحی مقاوم از پروفیل و محفظه‌ای از فوم به نام «پلی اوراتان»، که با فایبرگلاس پوشیده شده بود، برای آب‌های با سرعت حداکثر دو متر بر ثانیه، با تناژ شش تن ساخته شد. هر قطعه این پل ۱۲۰۰ کیلوگرم وزن داشت. اگر چندین گلوله یا ترکش به این پل اصابت می‌کرد و یا حتی سوراخ‌سوراخ هم می‌شد، به علت سبکی وزن و خاصیت ویژه‌ای که در پی بهره‌گیری از فوم‌ها داشت غرق‌شدنی نبود.

طراحی و ساخت طولانی‌ترین پل شناور نظامی جهان معروف به خیبر با مواد جدید و پایدار در مقابل بمباران و نقش حیاتی آن در تثبیت فتوحات رزمندگان در عملیات خیبر مورد تأکید کارشناسان نظامی ایران و جهان قرار گرفت. برای نمونه، خبرگزاری فرانسه در سوم فروردین ۱۳۶۳ اعلام کرد: «به گفته مسئولان دولتی آمریکا، دست یازیدن به پل قایقی با چنین طولی در تاریخ نظامی مدرن بی‌سابقه است.» طراحی و ساخت این پل نتایج قابل توجهی را برای کشور در پی داشت. از جمله:

الف) پیشرفت در صنایع نظامی و شکوفا شدن باور در مسئولان کشور در رسیدن به خودکفایی و تحقیقات در مورد صنایع مختلف نظامی و غیره.

ب) ایجاد یأس در بین دشمنان انقلاب با اعمال تحریم در فروش پل به عنوان ابزار آلات جنگی.

پ) زمینه رشد سریع صنایع خودکفایی سپاه.

ت) منشأ تحول در عملیات نظامی و مهندسی رزمی.

۲. جاده سیدالشهداء (ع)

با توجه به اهمیت عملیات خیبر و حفظ جزایر مجنون، طرح پیشنهادی مهندسی برای احداث یک جاده در دستور کار قرار گرفت. علت طرح این پیشنهاد آن بود که پل خیبر به‌طور مرتب زیر آتش سنگین دشمن قرار داشت و تعمیر صدمات ناشی از انفجار و ترکش این پل در بلندمدت مقرون به‌صرفه نبود. از طرفی، این جاده می‌توانست، با تسهیل تردد دوطرفه خودروهای سنگین و زرهی، به منزله مکمل پل خیبر نقش مهمی در حفظ جزایر مجنون ایفا کند.



حدود ده روز از عملیات خیبر گذشته بود که فرماندهی تصمیم گرفت جاده‌ای به جزایر احداث شود. این مأموریت مهم به جهاد سازندگی سپرده شد. پس از مطالعه روی عمق، شدت جریان آب، وضعیت کف هور و سایر عوامل مرتبط، برادران جهاد سازندگی، با استفاده از خاک منطقه و به‌کارگیری امکانات مورد نیاز، کار احداث جاده‌ای به طول چهارده کیلومتر به موازات پل خیبری و در فاصله دو کیلومتری آن آغاز کردند. نام آن را «جاده سیدالشهداء (ع)» گذاشتند. این در حالی بود که تمام کارشناسان احداث چنین جاده‌ای را عملی نمی‌دانستند. این جاده منطقه خشکی شط‌علی را به نوک جزیره مجنون شمالی وصل می‌کرد.

پروژه احداث این جاده، که ده روز پس از اتمام نصب پل خیبر از دو سو (داخل و خارج جزیره) زیر نظر شهید مهندس بهروز پورشریفی آغاز شده بود، طی مدت ۷۲ روز زیر گلوله باران توپخانه، بمباران هوایی و آتش هلی‌کوپترهای دشمن انجام شد و با اتصال به هم و پایان یافتن کار مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در این کار عظیم مهندسی، نزدیک به پنجاه دستگاه ماشین‌آلات **راه‌سازی**، حدود چهارصد دستگاه کمپرسی در روی جاده، بیش از هزار دستگاه کمپرسی برای حمل شن و ماسه و خاک، و بیش از هشتصد راننده کمپرسی هرکدام با زمان‌های مشخص به کار گرفته شد. ارتفاع این جاده از سطح زمین و سنگرهای حاشیه شمالی آن، که برای حفظ جان افراد احداث شده بود، عملاً جاده را به یک مانع پدافندی در منطقه تبدیل کرده بود.



در مجموع، برای تکمیل این جاده بیش از ۸۵۰ هزار مترمکعب خاک و سنگ برای زیرسازی و همچنین بیش از ۱۲۰ هزار مترمکعب شنریزی انجام شد. طول جاده چهارده کیلومتر و دویست متر با ارتفاع متوسط سه متر و عرض متوسط بیست متر و عرض زیرین بیست تا چهل متر بود. در طول زمان احداث جاده، از برادران جهاد سازندگی تعداد یازده نفر و از برادران سپاه نیز تعدادی به شهادت نایل آمده و تعدادی نیز مجروح شدند.

۳. انهدام دژ شرقی در جزیره جنوبی

پس از تسخیر جزیره جنوبی در عملیات خیبر، برای جلوگیری از پاتک ارتش بعث عراق، تصمیم گرفته شد دژهای جزیره جنوبی در انتهایی‌ترین مقطع نزدیک به دشمن بریده و آب وارد جزیره شود تا نیروهای بعثی عراق برای انجام پاتک محدود به دو ضلع شرقی و غربی جزیره جنوبی شوند. اگرچه قبلاً قسمتی از دژ بدین‌منظور تخریب شده بود، ولی عبور آب به سبب کافی نبودن عمق آن انجام نمی‌گرفت. بنابراین، این مهم با موادگذاری مجدد در ضلع شرقی جزیره جنوبی و در نزدیک‌ترین نقطه تماس با عراقی‌ها و انفجار حاصل از آن به خوبی صورت گرفت.

۴. انهدام دژ جزیره جنوبی

ارتش بعث عراق، در جزیره مجنون جنوبی، جلو آب دژی احداث کرده بود که ضمن حفاظت از نیروهای خود، ارتباط قسمتی از جزیره با طلائیه را حفظ می‌کرد و از طلائیه و در نهایت از گوشه کوشک راه ورود به بصره را می‌بست. طرح انهدام این دژ و رساندن آب به انتهای جزیره با تخریب دژ انتهایی حاصل می‌شد. برای این منظور، یک فروند قایق «لاور» را از مین‌های ضدخودرو و ضدتانک پر کردند، فیوزهای ضربه‌ای در جلو و فیوزهای زمانی در داخل آن نصب کردند و فرمان قایق را قفل کردند و سپس آن را به سمت دژ عراق هدایت کردند که در نتیجه برخورد قایق، دژ تخریب شد و آب به حوضچه شرق بصره رسید و گوشه کوشک آزاد و بصره مورد تهدید قرار گرفت.

پیوست شماره ۴

فعالیت‌ها و اقدامات توپخانه در عملیات خیبر^۷

^۷ اسناد و منابع مورد استفاده در این بخش: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، «تحلیل فعالیت توپخانه در عملیات خیبر»، توسط [شهید] حسن مقدم فرمانده مرکز توپخانه سپاه و توپخانه قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) به واحد طرح و عملیات، تاریخ ۱۳۶۳/۰۲/۰۸، شماره بازیابی سند ۵۴۳۳۷۰ و «گزارش برادر حسین اردستانی راوی قرارگاه نجف اشرف در عملیات خیبر، از تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۰۳ تا ۱۳۶۲/۱۲/۲۴»، «هدایت عملیات، شماره اسناد راوی ۳۳۹ و ۳۴۰» و «گزیده اسناد عملیات خیبر، سند شماره ۴۹۴۹۳۹» و «سند مجموعه‌ای شماره ۲۷۸۹۲۵» و «یادداشت‌های روزانه شهید حسن



یکی از خصوصیات ویژه عملیات خیبر حفاظت اطلاعات و رده‌بندی اطلاعات راجع به مانور برحسب مشاغل سازمانی افراد تا تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۶ بود و هرکس برحسب مسئولیت و نوع کاری که برعهده داشت، اطلاعات محدود به نوع کار خود را دریافت می‌کرد. بنابراین، چنین می‌نمود، با غافل‌گیر کردن دشمن نسبت به دست‌یابی به اهداف ازپیش‌تعیین‌شده و با کمترین تلفات، بر درصد میزان موفقیت عملیات افزوده شود. البته این حسن موجب بروز خلل و مشکلات زیادی در امر مأموریت و وظایف توپخانه در این عملیات به شرح زیر شده بود:

۱. نداشتن شناسایی از آخرین مواضع توپخانه دشمن به‌جز عکس هوایی مورخ هشتم بهمن و در نتیجه خلل در اجرای عملیات ضدآتشبار به‌عنوان مهم‌ترین مأموریت توپخانه.
۲. فراهم نشدن امکان طرح‌ریزی آتش مؤثر به‌دلیل عدم امکان آماج‌یابی صحیح و مفید.
۳. فراهم نبودن امکان دید روی منطقه دشمن به‌علت پیش‌بینی نکردن احداث دکل با توجه به شرایط دشت و محدود بودن دید در اکثر اوقات روز.
۴. فراهم نشدن شرایط برای تنظیم تیر روی مواضع، خطوط مقدم و استحکامات دشمن به‌دلیل دیر وارد منطقه کردن توپخانه و استتار آن هنگام ورود به‌منظور رعایت غافل‌گیری و شرایط ویژه عملیات.
۵. توجیه نشدن دیده‌بانان در خط از وضعیت و منطقه دشمن با توجه به محدودیت زمانی از زمان صدور مجوز حضور این برادران تا شروع عملیات.
۶. عدم برپایی مرکز تطبیق آتش در قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) برای اجرای نقش مؤثر در هماهنگی بین دو مرکز مستقر در قرارگاه‌های کربلا و نجف اشرف با توجه به نقش این قرارگاه در نظارت، هدایت و فرماندهی عملیات.

با توجه به نوع طراحی عملیات، قرارگاه نجف اشرف عملیات خود را از دو محور عمده القرنه-العزیر و محور طلائیه آغاز می‌کرد. توپخانه سپاه (با یگان‌های زیر امر خود متشکل از یگان‌های توپخانه ارتش و سپاه)، با به‌کارگیری عناصر تخصصی خود در امر طرح‌ریزی آتش، ابتدا نسبت به انجام طرح‌ریزی کلی آتش در قرارگاه نجف اشرف اقدام کرد و سپس، با مشخص شدن قرارگاه‌های فرعی، بخش طرح‌ریزی آتش مربوط به خط حد هر منطقه همراه با نفرات تخصصی در نظر گرفته‌شده برای اداره مرکز تطبیق آتش آن، به قرارگاه آن منطقه ارسال و اعزام شدند. بنابراین، با توجه طرح‌ریزی صورت‌گرفته و یگان‌های تعیین‌شده برای هر محور، عملیات در محور طلائیه توسط توپخانه قابل پشتیبانی بود.

شفیع‌زاده فرمانده توپخانه سپاه» و «استفاده از مصاحبه صورت‌گرفته با پیش‌کسوتان و مسئولان توپخانه در عملیات خیبر از جمله سرداران: محمد آقایی، یعقوب زهدی، غلام‌حسین رضایت و ...».



بدین منظور، تعداد سه گردان توپخانه ۱۵۵م.م خودکشی، یک گردان (-) توپخانه ۱۰۵م.م و یک آتشبار کاتیوشا ارتش و یک گردان توپخانه ۱۳۰م.م سپاه در این محور به کار گرفته شد. اما در محور القرنه-العزیر، به علت عملیات ویژه‌ای که با عبور از هور صورت می‌گرفت، با آتش توپخانه قابل پشتیبانی نبود. در واقع، طراحان عملیات و مسئولان مربوطه این وضعیت غیراستاندارد و خطرناک را پذیرفته بودند که در مرحله نخست و تا باز شدن محور خشکی در پلائی، مانور بدون آتش انجام دهند. بنابراین، در شرایطی که کشور با محدودیت در جنگ‌افزار، مهمات و سایر پشتیبانی‌ها برخوردار بوده و اجرای عملیات بر پایه دو اصل مانور و آتش استوار است، پرواضح است که نادیده گرفتن آتش در طراحی عملیات تبعات جبران‌ناپذیر و ناخوشایندی را در پی داشته باشد. از این رو، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌ها، حذف آتش در محور هور از عمده نواقص طرح مانور در نظر گرفته شده بود و دیری نپایید که نتیجه آن عقب‌نشینی نیروها زیر فشار زیاد و اجرای سنگین آتش دشمن بود. بر همین اساس بود که راوی قرارگاه بدر در بحث پشتیبانی آتش توپخانه و چگونگی آن بیان می‌دارد: «به دلیل دور بودن مسافت عقبه نیروهای خودی با خط اول و عقبه دشمن، عملاً استفاده از توپخانه در طرح عملیات حذف شده بود. لذا در شب اول اصلاً آتش سلاح سنگین نداشتیم. موشک آرپی‌جی ۷ سنگین‌ترین گلوله‌ای بود که به قلب مواضع عراقی می‌خورد. توپخانه به دلیل دور بودن مسافت، هوانیروز به دلیل اشتغال به عملیات هلی‌برن و نیروی هوایی به دلیل نزدیک بودن خط طرفین نمی‌توانستند از لحاظ آتش پشتیبان رزمندگان اسلام باشند. [در نتیجه] علاوه بر مشکل راه خشکی برای پشتیبانی و تدارک نیروهای خودی، به علت فاصله زیاد مسافت عقبه دشمن با نیروهای خودی و داشتن عقبه آبی، رزمندگان اسلام از آتش توپخانه و تانک برای پشتیبانی بی‌بهره بودند.»

پس از عدم موفقیت عملیات در محور پاسگاه زید، آتش دشمن در مناطق پلائی و جزایر مجنون متمرکز شد و دشمن، با تمرکز آتش به فلش‌رخنه و آسیب‌پذیر کردن نیروهای خودی، از همان شیوه قدیمی خود در پشتیبانی از پاتک و تصرف مناطق از دست‌رفته نهایت بهره‌برداری را کرد. در ادامه، دشمن همین شیوه را در منطقه پلائی نیز به کار برد و دست نیروهای خودی را از این منطقه کوتاه کرد و عملیات به جزایر مجنون منحصر شد. با توجه به عدم موفقیت نیروهای خودی در محور پلائی و باز نشدن راه خشکی برای انتقال توپخانه به جلو به منظور پوشش آتش منطقه و پاتک‌های سنگین دشمن همراه با آتش پشتیبانی پر حجم، انبوه، متمرکز و بدون محدودیت برای بازپس‌گیری جزایر مجنون و ایجاد مشکل در خط حد قرارگاه‌های نصر، حدید و بدر، توپخانه به صورت ابتکاری و در حد امکان مبادرت به پشتیبانی آتش از جزایر کرد؛ این در حالی بود که جزایر در طرح عملیاتی جزء اهداف نبود و به عنوان جای پا برای تصرف اهداف بود و با شرایط به وجود آمده به عنوان هدف مطرح می‌شد.



در این راستا، توپخانه اقدام به استقرار یک آتشبار ۱۳۰م.م در منتهالیه تقاطع سیل‌بند هور و طلائی و فاصله کم از نیروهای در خط و در تیررس خمپاره‌اندازهای ۶۰م.م دشمن کرد و یک آتشبار راکت‌انداز ۱۲۲م.م کاتیوشا را نیز در پشت سیل‌بند هور مستقر کرد. اقدامی که با هیچ آیین‌نامه و استاندارد آموزشی و کلاسیک همخوانی نداشت و جز نیروهای شجاع، انقلابی و از جان‌گذشته پیرو اسلام ناب و ولایت فقیه، که در پاسداران عزیز قابلیت بروز و ظهور داشت، حاضر به پذیرش چنین خطری نبودند. بنابراین، این دو آتشبار با توجه به مأموریت ذاتی خود که عمل کلی و عمل کلی تقویت است، با اشغال موضع در این محل، در نقش مأموریت کمک‌مستقیم و استفاده از حداکثر برد [۲۲ کیلومتری کاتیوشا و ۲۷ کیلومتری توپ ۱۳۰م.م]، که تأمین مهمات توپ ۱۳۰م.م با انتقال از مناطق عملیاتی غرب کشور صورت گرفته بود، پشتیبانی محدود از جزیره را امکان‌پذیر کردند. در حالی که آتشبار کاتیوشا حداکثر توان پوشش آتش تا پل اول جزیره جنوبی و آتشبار ۱۳۰م.م جنوب جزیره جنوبی و پل شحیطاط را، که محل استقرار و موضع دشمن و محور فشار او روی نیروهای خودی بود، توانستند زیر آتش بگیرند.

با توجه به عقبه طولانی قرارگاه نصر در منطقه هور (در شمالی‌ترین منطقه عملیات) و شرایط خاص آن، در سازمان برای رزم توپخانه، یعنی تأمین حداقل آتش پشتیبانی از این قرارگاه، تعداد یک آتشبار هویتزر ۱۰۵م.م از گردان قدس سرپل‌ذهاب پیش‌بینی شده بود که پس از تصرف هدف و رسیدن به العزیر با هلی‌کوپتر از طریق عملیات اسلینگ^۸ منتقل شود. بنابراین، در همان مرحله اول عملیات، با هماهنگی‌های صورت‌گرفته، یک عراده این آتشبار با هلی‌کوپتر منتقل و با استقرار روی پد آچچرده [معروف به خیبر]، اقدام به تیراندازی و اجرای آتش روی مواضع دشمن کرد و با شروع پاتک‌های دشمن، این عراده به تنهایی، با توجه به قابلیت نواخت تیر بالا، پشتیبانی مناسبی از عملیات رزمندگان به عمل آورد. اما با عقب‌نشینی نیروهای قرارگاه نصر از مناطق متصرفی، نیروهای آن به دلیل عدم امکان انتقال این جنگ‌افزار به عقب، با انجام انفجار و از کار انداختن جنگ‌افزار، آن را رها کردند و به عقب بازگشتند و جنگ‌افزار به دست دشمن افتاد.

با توجه به شرایط کلی منطقه نبرد و در نهایت منحصر شدن مناطق متصرفی به جزایر مجنون و باز نشدن راه خشکی برای انتقال توپخانه به جلو، در تاریخ پنجم اسفندماه و هم‌زمان با شروع پاتک‌های دشمن، تلاش برای انتقال توپخانه به داخل جزایر در دستور کار قرار گرفت و ابتدا یک آتشبار هویتزر ۱۰۵م.م از گردان ۳۱۵ توپخانه ارتش به استعداد سه عراده با عملیات اسلینگ توسط هلی‌کوپترهای شنوک هوانیروز ارتش همراه با مشکلات زیاد به جزیره شمالی منتقل و در ضلع شمالی جزیره جنوبی

^۸ قبل از اجرای عملیات، نحوه انتقال جنگ‌افزار سبک توپخانه به جلو به وسیله عملیات اسلینگ با هلی‌کوپتر در منطقه جوفیر تمرین شده بود.



(پشت چاه‌های نفت) مستقر شد. اما با حضور نیافتن فرمانده آتشبار، نیروها و جنگ‌افزارها یکی دو روز بلا تکلیف و در موضع قرار نگرفته بودند. لذا با حضور و تلاش برادرانی از توپخانه سپاه و برعهده گرفتن مسئولیت آن، آتشبار فعال شد و شروع به اجرای مأموریت کرد. پس از چند روز، آتشبار گردان قدس سپاه جایگزین این آتشبار شد. یگان‌ها برای پدافند از جزایر با دو مسئله مهم آتش شدید دشمن و فشار پاتک او مواجه بودند. بنابراین، تصمیم گرفته شد ضمن انتقال امکانات برای ساختن سنگرهای محکم، علاوه بر آتشبار ۱۰۵م.م موجود در جزایر، تعداد دو آتشبار توپخانه دیگر نیز برای پشتیبانی آتش به جزایر منتقل شود. در حالی که سختی انتقال جنگ‌افزارهای سنگین و نیاز به امکانات خاص برای انتقال، کار را بر مسئولان امر دشوار کرده بود. در شرایط فشار زیاد دشمن و پاتک‌های سنگین همراه با آتش پرحجم و انبوه توپخانه، تنها آتش پشتیبانی جزایر منحصر به یک آتشبار ۱۳۰م.م و یک آتشبار کاتیوشا از منطقه طلائیه و یک آتشبار ۱۰۵م.م داخل جزایر بود. بنابراین، مسئولان توپخانه دو اقدام را در راستای هم برای بهره‌گیری هرچه بهتر و تقویت آتش‌های موجود جزایر عملی ساختند:

در یک اقدام، شرایط انتقال یک آتشبار توپخانه ۱۵۵م.م خودکشی از گردان ۳۲۰ توپخانه ارتش و یک آتشبار (-) توپخانه ۱۵۵م.م کشی از لشکر ۳۱ عاشورا سپاه را به جزایر مجنون با استفاده از امکانات شناوری در دستور کار قرار دادند و با وجود سختی کار به دلیل سنگینی تجهیزات و فراهم نبودن زیرساخت برای پیاده کردن آنها، با هماهنگی و تلاش فراوان، در تاریخ‌های ۱۸ و ۲۰ اسفندماه ۱۳۶۲ به انجام رساندند. آتشبارهای انتقال یافته به داخل جزایر در ضلع شمالی جزیره مجنون جنوبی و پشت چاه‌های نفت منطقه گسترش داده شد و با برقراری ارتباط با دیده‌بانان مستقر در دیدگاه‌های جزیره، به اجرای مأموریت پرداختند. در ادامه تقویت آتش جزایر، در تاریخ ۲۳ اسفند نیز یک دسته راکت‌انداز ۱۲۲م.م کاتیوشا به جنگ‌افزارهای توپخانه جزایر اضافه شد.

در اقدام بعدی، برای کنترل تاکتیکی توپخانه قرارگاه نجف اشرف، منطقه به دو محور شامل جزایر و طلائیه تقسیم شده و به هر محور یک مرکز تطبیق آتش اختصاص داده شد. با هماهنگی صورت گرفته در زمینه مهمات آتشبارهای داخل جزیره، برنامه‌ریزی برای حفظ موجودی پانصد گلوله برای هر آتشبار و تداوم تأمین آن نیز صورت گرفت تا با کمبود مواجه نشوند.

نظر به اینکه یکی از خصوصیات بارز عملیات خیبر در زمینه طراحی و اجرا استقلال عمل سپاه بود، توپخانه سپاه نیز به تبع این تصمیم، مصمم به طراحی و اجرای آتش پشتیبانی به صورت مستقل و متکی به عناصر تخصصی خود شد که با کسب تجارب لازم از عملیات‌های قبلی، قابلیت لازم را در این زمینه کسب کرده بودند. با عنایت به اینکه یکی از شعارهای محوری توپخانه با توجه به محدودیت‌های فراوان در تأمین جنگ‌افزار و به خصوص مهمات، اجرای آتش دیده‌بانی شده با حداقل مهمات و حداکثر



استفاده بود، خصوصیت بارز دیگر این عملیات در بخش پشتیبانی آتش، وارد کردن دکل دیده‌بانی به‌منزلهٔ ابزاری کارآمد و مؤثر در پیشبرد و موفقیت عملیات با پیدا کردن دید در عمق دشمن برای زیر آتش بردن مراکز مهم و مواضع توپخانه آنها و همچنین رصد و کنترل تحرکات او در پهنهٔ اجرای عملیات بود.

پیوست شمارهٔ ۵

فعالیت‌ها و اقدامات نیروی هوایی در عملیات خیبر

عملیات خیبر از جمله عملیات‌های دوران دفاع مقدس به‌شمار می‌رود که نیروی هوایی ارتش، به‌مانند دیگر عملیات‌های قبل و بعد از آن، تأثیر بسزایی در حمله به مواضع دشمن و دفاع از نیروهای خودی داشتند. در این عملیات، به ابتکار خلبان شهید عباس بابایی، چهار فروند هواپیمای شکاری رهگیر «اف ۱۴»، با بهره‌گیری از خلبانان ناظر مقدم مجرب، آسمان منطقهٔ نبرد را به‌دلیل نقاط کور راداری به‌صورت بصری تأمین کردند. همچنین، با تلاش شهید منصور ستاری معاونت عملیات فرماندهی پدافند هوایی، یک آتشبار موشک «هاگ» موسوم به «پیروزی» در حریم قرارگاه نجف اشرف مستقر شد. پرنده‌های نیروی هوایی از پایگاه‌های مختلف کشور از جمله پایگاه‌های: دوم شکاری شهید فکوری تبریز، سوم شکاری شهید نوژه همدان، چهارم شکاری شهید وحدتی دزفول، ششم شکاری شهید یاسینی بوشهر و هشتم شکاری سرلشکر شهید عباس بابایی اصفهان در منطقه حضور پیدا کردند و به بمباران مواضع دشمن یا پوشش هوایی پرداختند.



فعالیت‌ها و اقدامات هوانیروز در عملیات خیبر^۹

با مشخص شدن ماهیت و مأموریت اصلی هوانیروز در این عملیات، که همانا هلی‌برن و جابه‌جایی نفرات و تجهیزات در شب بود، تعدادی هلی‌کوپتر هجومی ۲۱۴ (Bell ۲۱۴) و ترابری شینوک (Boeing CH-47 Chinook) و تعدادی هلی‌کوپتر تک‌ور کبرا (Bell ۲۰۹)، برای انجام این مأموریت مشخص شدند. تا آن زمان، هوانیروز ارتش پرواز در شب نداشت، زیرا هلی‌کوپترها برای این مأموریت نیاز به تجهیزات و دستگاه‌های خاص داشتند و از جمله باید مجهز به دوربین‌های دید در شب می‌بودند که این تجهیزات را در اختیار نداشتند. بنابراین، خلبانان هلی‌کوپترها از غروب آفتاب به بعد پرواز انجام نمی‌دادند و آن را پرواز کور می‌نامیدند. با توجه به این مهم، هوانیروز ارتش برای اینکه به قابلیت پرواز

^۹ منابع مورد استفاده در این بخش: «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ستاد کل نیروهای مسلح، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرتیپ ۲ خلبان بازنشسته ابراهیم محمدزاده، نقش و عملکرد هوانیروز در دفاع مقدس، ۱۳۹۸» و «نقش بخش هلی‌کوپتری یگان هوایی سپاه پاسداران در عملیات خیبر، مصاحبه با سرداران خلبان بهرامی و محمد رحمانی پیش‌کسوتان و از اولین خلبانان هلی‌کوپتری سپاه حاضر در عملیات خیبر» و «مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، «علایی، حسین، تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، جلد دوم، چاپ دوم (با تجدیدنظر و اضافات)، تهران، مرزوبوم، ۱۴۰۱، فصل ششم، تحول در تدابیر نظامی، عملیات خیبر».



در شب جهت انجام این مأموریت برسد و اینکه خلبانان بتوانند به صورت ایمن و استاندارد این مأموریت را انجام دهند، از یکی دو ماه قبل از شروع عملیات خیبر، تمرین‌های پرواز در شب را با چراغ خاموش، به مدت ده شب در آسمان منطقه باتلاقی گاوخونی (اطراف شهر اصفهان) و چند مدتی هم در حوالی جاده اهواز-ماهشهر انجام دادند. در این تمرینات پروازی، تعدادی از نیروهای هلی‌کوپتری یگان هوایی سپاه پاسداران مستقر در جنوب (از جمله برادران بهرامی و محمد رحمانی)، برای پشتیبانی از آنها حضور داشتند. در زمان انتقال هلی‌کوپترها از اصفهان به خوزستان نیز خلبانان شبانه و با چراغ خاموش از اصفهان به سوی اهواز پرواز کردند و در فرودگاه اهواز فرود آمدند.

در طراحی عملیات خیبر، با توجه به عمق حدود چهل کیلومتری آبی منطقه و فراهم نبودن شرایط برای پشتیبانی زمینی از رزمندگان به دلیل نبودن مسیر خشکی در مراحل اولیه، پیش‌بینی شده بود تا از هلی‌کوپترهای ترابری شینوک و هجومی ۲۱۴ هوانیروز ارتش برای انتقال نیروهای موج دوم با انجام ترابری هوایی شبانه و همچنین انتقال تدارکات، تجهیزات و مهمات مورد نیاز به جزیره‌ی مجنون استفاده شود. علاوه بر آن، مأموریت دیگر هوانیروز تخلیه‌ی مجروحان و مصدومان شیمیایی عملیات از منطقه هورالهویزه به بیمارستان‌های صحرایی و فرودگاه‌های خوزستان تعیین شده بود. بنابراین، براساس برآورد صورت‌گرفته، ابلاغ شده بود هوانیروز ارتش با تعداد هشتاد فرزند انواع هلی‌کوپتر تک‌ور، هجومی و ترابری، عملیات سپاه در منطقه هورالهویزه را پشتیبانی کند. اما با توجه به مأمور شدن تعدادی از هلی‌کوپترهای نیروی هوایی و نیروی دریایی ارتش به هوانیروز، در مجموع عملاً تنها ۲۳ فرزند از تعداد هشتاد فرزند ابلاغی وارد منطقه شدند تا از عملیات پشتیبانی کنند. این هلی‌کوپترها از پایگاه‌های رزمی پشتیبانی عمومی اصفهان، مسجد سلیمان و کرمان در این عملیات شرکت داشتند. برای بارگیری و انتقال نیرو به وسیله هلی‌کوپترها، باید دو باند پرواز مناسب به سرعت آماده می‌شد. این دو باند را، که اهمیت ویژه‌ای داشتند، جهادگران مهندسی جنگ در عقبه منطقه عملیاتی بین پاسگاه‌های خاتمی و برزگر احداث کردند. این برادران جهادگر، شب پیش از عملیات، دو طرف جاده مورد استفاده هلی‌کوپترها را خاکریز زدند و سر و ته آن را بستند. سپس، برای جلوگیری از بلند شدن خاک هنگام برخاستن هلی‌کوپترها، اطراف منطقه را قیرپاشی کردند. برابر با پیش‌بینی به عمل آمده، باند پرواز سوم باید در جزیره‌ی مجنون شمالی (پس از تصرف رزمندگان) و تا قبل از نیمه شب کاملاً آماده می‌شد. برای هدایت هلی‌کوپترها به منطقه نیز، مسیر خط پرواز از نقطه مبدأ (باند پروازی) تا هور را با نصب چراغ‌هایی به رنگ قرمز روی پایه‌هایی به ارتفاع ۱.۵ تا ۹ متر (بلندتر از نی‌ها) که در فواصل منظم در طول مسیر تعبیه شده بود مشخص کردند و با آتش زدن لاستیک، محل فرود آنها در جزیره شمالی را نشانه‌گذاری کردند. تنها اطلاعات موجود و دردسترس خلبانان از منطقه عملیات،



تصویر مخفیانه ضبط‌شده برادران اطلاعات و همچنین تصاویر شناسایی هوایی برادران هلی‌کوپتری یگان هوایی سپاه پاسداران بود. هلی‌کوپترها، که باید از روی فرکانس تعیین‌شده با مرکز کنترل مستقر در قرارگاه خاتم در تماس می‌بودند، باید از سمت راست چراغ‌های تعبیه‌شده حرکت می‌کردند و پس از طی این مسافت، نیروها را در جزیره شمالی پیاده می‌کردند. پرواز در شب، بدون باند فرود در محلی ناشناخته و در خاک دشمن، دشوارترین و درعین حال شجاعانه‌ترین اقدام خلبانان هوانیروز ارتش در عملیات خیبر بوده است. به‌رحال، هوانیروز اولین عملیات هلی‌برن شبانه در جنگ را، با به‌کارگیری هلی‌کوپترهایی از نیروهای هوایی و دریایی، در عملیات خیبر انجام داد. بیشترین تعداد هلی‌کوپترها از نوع ۲۱۴ بود که ۴۴ فرزند از آنها برای عملیات پیش‌بینی شده بود. مهم‌ترین هلی‌کوپترهای مؤثر هوانیروز برای انتقال رزمندگان، هلی‌کوپترهای ترابری شینوک بودند که دوازده فرزند از آنها از پایگاه پشتیبانی اصفهان در عملیات خیبر به‌کار گرفته شدند.

هلی‌کوپترها از ساعت ۱۴:۲۰ تا ساعت ۱۶:۱۵ عصر روز سوم اسفندماه ۱۳۶۲، در محل استقرار خود بین پاسگاه‌های خاتمی و برزگر فرود آمدند. در این فرصت، برادران غلام‌علی رشید و سید رحیم صفوی از حدود ساعت ۱۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰ به توجیه و هماهنگی با خلبانانی که بنا بود عملیات هلی‌برن را انجام دهند پرداختند. گرچه اعلان خبر «تصرف پاسگاه‌های غرب جزیره مجنون شمالی و تصرف چاه‌های نفت» از سوی احمد کاظمی و همچنین اعلام رشید مبنی بر «پاک‌سازی شدن غرب جزیره و حضور رزمندگان در نزدیکی نهر صویب و تصرف پاسگاه‌های منطقه» موجب ارتقای روحیه خلبانان شد، اما با وجود برنامه‌ریزی‌ها و تلاش فراوان، تا ساعت ۲۳:۱۰ هنوز نیروها موفق به آماده‌سازی محل فرود هلی‌کوپترها در جزیره شمالی نشده بودند. در این بین، برادر فتحیان از قول سرهنگ موسوی‌قوبدل مسئول عملیات نزاچا به آقای هاشمی‌رفسنجانی اطلاع داد که هلی‌کوپترها وضع مناسبی ندارند. آقای هاشمی با قاطعیت گفت: «حتماً باید پرواز کنند، شرف و عزت ما در گرو این عملیات است.»^{۱۰}

در این عملیات، برادر بهرامی به‌عنوان رابط با هوانیروز ارتش منصوب شده بود تا هماهنگی بین قرارگاه نجف اشرف و هوانیروز ارتش سریع‌تر انجام گیرد. با توجه به تأخیراتی که به‌دلیل بروز مشکلات در کار پروازی پیش آمده و در نتیجه عملیات نقش مستقیم داشت، سرهنگ محمدحسین جلالی فرمانده وقت هوانیروز ارتش به همراه تعدادی دیگر از جمله برادر بهرامی با یک هلی‌کوپتر بل ۲۰۵

^{۱۰} مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، برگرفته از: گزارش برادر حسین اردستانی راوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء

(ص) در عملیات خیبر، تاریخ چهارشنبه ۱۳۶۲/۱۲/۰۳، دفترچه شماره ۱، صص ۱ تا ۱۵، سند راوی شماره ۳۳۹.



(هلی کوپتر شناسایی) جهت بررسی مسیر پروازی و نقاط نشست و برخاست به منطقه اعزام شدند که با وجود تلاش فراوان، به دلیل تاریکی مطلق هوا و عدم امکان ادامه مسیر، بازگشتند.

مجدداً فرمانده وقت گروه پشتیبانی و رزمی هوانیروز کرمان به اتفاق برادر بهرامی با یک هلی کوپتر بل ۲۱۴ به منطقه عزیمت و مسیر بیشتری را تا نزدیکی جزیرهٔ مجنون طی می‌کنند، اما این تیم نیز به دلیل عدم تشخیص مسیر به مقر بازمی‌گردد. این رفت‌وآمدها برای بررسی منطقه نزدیک به چند ساعت به طول انجامید و هیچ نتیجه‌ای را به همراه نداشت.

از سوی دیگر نیز، با روشن شدن هوا، عراقی‌ها اجازهٔ پرواز به هلی کوپترها را نمی‌دادند و مأموریت هلی برن تجهیزات و نیروها با مشکل مواجه می‌شد. بنابراین، با توجه به اینکه هلی کوپترهای شینوک هوانیروز و نیروی هوایی، که هرکدام توان حمل پنجاه رزمنده را داشتند، برای انتقال نیروهای قرارگاه نجف اشرف به جزیرهٔ مجنون شمالی آمادگی لازم را پیدا کرده بودند، چون عدم هلی برن نیروها باعث شکست عملیات می‌شد، با فشارهای برادر صفوی فرمانده نیروی زمینی سپاه که دستور دادند برای پشتیبانی از نیروهای مستقر در جزیره هرچه سریع‌تر باید هلی برن انجام شود، سرهنگ جلالی با بیان اینکه «بنده این مسیر را می‌روم، یا شهید می‌شوم یا در جزیره فرود می‌آیم»، تصمیم شجاعانه‌ای اتخاذ کردند و مجدداً به همراه برادر بهرامی و [شهید] احمد کاظمی و برادر بشردوست به سمت جزیرهٔ مجنون به پرواز درآمدند. این پرواز از آن جهت اهمیت داشت که در صورت موفقیت می‌توانست با شناسایی مسیر پروازی و نقاط نشست و برخاست به سایر هلی کوپترهایی که مملو از تجهیزات و نیروی انسانی بود کمک بزرگی کند.

در نهایت، این هلی کوپتر به کمک ناوبری رکونینگ (شناسایی مرده) به بالای جزیرهٔ مجنون رسید، اما به دلیل تاریکی هوا و مشخص نبودن نقطهٔ نشست و امکان پذیر نبودن فرود در جزیره، با ابتکار برادر کاظمی و برقراری ارتباط بی‌سیم با یکی از یگان‌های زمینی که به جزیره رسیده بودند و آتش زدن یک خودروی واژگون شدهٔ عراقی، کروی پروازی با شناسایی دقیق محل، در آن نقطه فرود آمدند. بعد از آن، با توجیه کامل نسبت به محل نشست و برخاست، با تعدادی زخمی به مقر اصلی بازگشتند. با وجود گذشت ساعاتی که زیان‌های جبران‌ناپذیری را به همراه داشت، مأموریت انتقال و هلی برن نیروها آغاز شد. اما اولین شینوک نیروی هوایی به محض برخاستن از زمین، به دلیل «ورتیگو» (سرگیجه) شدن خلبان، تعادل خود را از دست داد و به زمین خورد و آتش گرفت و کاملاً سوخت و تمامی نیروهای رزمندهٔ بسیجی و پاسدار داخل آن به همراه کادر پرواز را نیز سوزاند. در مجموع، با وجود تلاش‌های فراوان خلبانان، در شب و روز اول، کمتر از هزار نفر از این طریق به جزیرهٔ شمالی منتقل شدند و دو هلی کوپتر شینوک هم از دست رفت.



در عملیات خیبر، برای اولین بار، هلی‌کوپترهای یگان هوایی سپاه پاسداران وارد صحنه عملیات برای خدمت‌رسانی شدند. گرچه ظرفیت هلی‌کوپتری سپاه از جنبه‌های مختلف نیرویی و استعداد ناوگان در حداقل ممکن بود و جواب‌گوی پشتیبانی از یک عملیات بزرگ نبود، اما به‌ترتیب با تصمیم برادر حسینی فرمانده وقت یگان هوایی تمام هلی‌کوپترها و نفرات خلبان و فنی به همراه دو فروند هلی‌کوپتر بل ۲۰۶، که از سازمان انرژی اتمی در اختیار سپاه قرار گرفته بود، در تاریخ ۲۳ بهمن سال ۱۳۶۲ به منطقه جنوب اعزام و برای پشتیبانی از این عملیات در فرودگاه اهواز مستقر شدند. در واقع، هلی‌کوپترهای سپاه در این عملیات دو مأموریت «شناسایی» و «هماهنگی پروازی بین سپاه و هوانیروز ارتش» را برعهده داشتند.



فعالیت‌های بهداری و اقدامات آن در برابر تک‌شیمیایی دشمن در عملیات خیبر^{۱۱}

عملیات خیبر در مرداب‌های هورالهوریزه طراحی شده بود و بهداری رزمی سپاه باید برای شرایط جدید و سطح انتظارات راهبردی جدید ارتقا می‌یافت. براین اساس، مهندسی رزمی سپاه در سال ۱۳۶۲ اقدام به ساخت بیمارستان خاتم‌الانبیاء (ص) در ۹۳۶ مترمربع برای رسیدگی به وضعیت مجروحان عملیات و اقدامات درمانی اولیه آنان در سهراب فتح (منطقه عمومی جوفیر) کرد. این بیمارستان صحرایی دربردارنده کلیه بخش‌های بیمارستانی مورد نیاز شامل: داروخانه، رادیولوژی، بانک خون، آزمایشگاه، ۳۵ تخت اورژانس سرپایی و بستری، چهار تخت ریکاوری، و هشت اتاق عمل بود. در ساخت این بیمارستان، از سوله‌های فلزی پنج‌ضلعی و ورق گالوانیزه موج‌دار، که در زیر خاک استتار و تا حدود زیادی مستحکم شده بود، استفاده شده بود. در عملیات خیبر، این بیمارستان ۱۵،۶۰۶ مجروح را پذیرش کرد و تعداد ۲۱۷ مورد عمل جراحی در آن انجام گرفت.

بخشی از مجروحان عملیات، پس از درمان اولیه در مراکز اورژانس یا بیمارستان صحرایی منطقه، به بیمارستان شهید بقایی اهواز اعزام می‌شدند که در منطقه عمومی کارخانه نورد ایجاد شده بود و در این عملیات به بهره‌برداری رسید. در این بیمارستان نیز، در طول عملیات خیبر، بیش از هزار عمل جراحی انجام گرفت.

یکی از وظایف مهم بهداری رزمی در مناطق عملیاتی بخش امداد و انتقال است. بنابراین، مهم‌ترین کارکرد بهداری در این عملیات ارائه خدمات امداد و انتقال شناوری به غواصان و به‌خصوص افراد سکانی و سرنشینان قایق بود که دچار حادثه می‌شدند. مهم‌ترین و بیشترین کارکرد امداد و انتقال شناوری عبارت از انتقال مجروحان و مصدومان از ساحل سمت دشمن به سمت ساحل سمت خودی بود. به‌این منظور، انواع قایق‌های موجود به کار گرفته شد. مهم‌ترین مشکل برای انتقال مجروحان نامناسب

^{۱۱} اسناد و منابع مورد استفاده در این بخش: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، «علایی، حسین، تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، جلد دوم، چاپ دوم (با تجدیدنظر و اضافات)، تهران، مرزوبوم، ۱۴۰۱، فصل ششم، تحول در تدابیر نظامی، عملیات خیبر، صص ۳۰ تا ۳۲» و «فروتن، عباس، جنگ شیمیایی عراق و تجارب پزشکی آن، تهران: طبیب، ۱۳۸۲، صص ۱۰۱ و ۱۰۳ و ۱۰۹» و «علامیان، سعید، برای تاریخ می‌گویم: خاطرات محسن رفیق‌دوست، جلد ۱ (۱۳۵۷-۱۳۶۸)، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۲، صص ۲۷۴» و «هاشمی‌رفسنجانی اکبر، "آرامش و چالش، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۲، تهران: معارف انقلاب، چاپ سوم، ۱۳۸۶، صص ۵۴۶" و "به سوی سرنوشت، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳، تهران: معارف انقلاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۶، صص ۳۱ و ۴۴".



بودن قایق‌ها برای این مهم بود. البته در بین قایق‌های موجود، قایق‌های ذوالفقار و عاشورا و قایق‌های ۲۷ فوتی، که از فراوانی بیشتری برخوردار بود، کارایی بهتری برای استفاده در این بخش داشتند. ظرفیت قایق‌های برانکاردی، دو برانکارد و پنج نفر مجروح سرپایی بود.



استفاده دشمن از سلاح شیمیایی

در عملیات خیبر، چند روز پس از آزادسازی جزایر مجنون یعنی در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۰۷، ارتش عراق برای اولین بار و در سطحی گسترده با هشت فروند هواپیما اقدام به بمباران هوایی با استفاده از «گاز شیمیایی خردل» کرد. کسانی که در معرض این گازها قرار گرفته بودند، دچار سوختگی صورت و دست‌ها شدند. این بمباران‌ها، که بیشتر به دلیل هراس دشمن از استقرار و تثبیت نیروهای خودی در منطقه عملیاتی صورت می‌گرفت، در حالی انجام می‌گرفت که از سوی نیروهای خودی پیش‌بینی و تدارک لازم برای اقدامات پیش‌گیری، رفع آلودگی و درمان مصدومان به عمل نیامده بود. دشمن تنها در ۴۸ ساعت اول حملات شیمیایی خود، با انفجار بیش از صد بمب، حدود پنج تن گاز خردل روی رزمندگان اسلام تخلیه کرد. در نتیجه این عمل دشمن، تعداد ۱،۱۰۰ نفر مصدوم شدند که حال ۱۵۰ نفر آنان وخیم بود. تا تاریخ ۲۷ اسفند، حملات شیمیایی زیادی با گاز خردل انجام گرفت که حدود ۵۴۳ نفر از رزمندگان مستقر در جزایر مجنون و همچنین گروهی از داوطلبان جهاد سازندگی، که در حال استراحت بودند، به شدت مجروح و مصدوم شدند. در روز ۲۷ اسفند، دشمن برای نخستین بار در تاریخ جنگ‌ها، طی دو مرحله، از «گاز اعصاب از نوع تابون» در منطقه جوفیر استفاده کرد که بیش از ۴۴۰ نفر مصدوم به جا گذاشت که حال پنجاه نفرشان وخیم بود.

رژیم عراق پس از ناامیدی از بازپس‌گیری جزایر شمالی و جنوبی مجنون، بمباران شیمیایی این مناطق را تشدید کرد و این بمباران‌ها تا روز ۱۳۶۲/۱۲/۳۰ ادامه یافت. در این روز، بر اثر استفاده دشمن از گاز اعصاب تابون در مناطق هورالهوریزه و جزایر مجنون، شش نفر از رزمندگان اسلام شهید و ۳۷۰ نفر مصدوم شده بودند. در مجموع، ارتش عراق با استفاده از حدود صد عراده توپ و تعدادی هواپیما، حدود سه هزار گلوله و هزار بمب شیمیایی را تا عمق هشتاد کیلومتری عملیات خیبر به نود هدف پرتاب کرد. بر اثر این اقدام، حدود هزار نفر از رزمندگان ایرانی شهید شدند و پنج هزار نفر نیز به شدت صدمه دیدند.

با تهاجم هواپیماهای دشمن و بمباران‌های سنگین عوامل شیمیایی، اورژانس یگان‌ها و بیمارستان خاتم‌الانبیاء (ص) در منطقه عملیاتی نمی‌توانستند پاسخ‌گوی مجروحان و مصدومان به خصوص در سطح وسیع و گسترده باشند. بنابراین، با تلاش مضاعف و شبانه‌روزی رزمندگان بهداری، که با اعلام بسیج عمومی و استفاده از تجهیزات و امکانات داخل کشور از پشتوانه مراکز بهداشت و درمان کشوری نیز برخوردار بودند، به درمان و مداوای بیماران شیمیایی در مراکز نگاهت‌گاهی مبادرت ورزیده شد تا رزمندگان آسیب‌دیده تا سرحد امکان برای بازگشت به خطوط مقدم نبرد مهیا شوند. ضمن آنکه به



تخلیه افراد دارای آسیب جدی از منطقه اقدام شد تا در مراکز درمانی مجهز شهری درمان شوند. این در حالی بود که خود این برادران تلاش‌گر نیز در معرض خطر جدی انتقال آلودگی عوامل شیمیایی بودند.

نیروهای ایرانی برای مقابله با عوارض سلاح‌های شیمیایی، نیاز به داروها و تجهیزاتی داشتند که در شرایط عادی در نظام دارویی کشور وجود نداشت. از ابتدایی‌ترین اقلام درمانی تزریق آتروپین به بیمار است و آتروپین ۵۰ میلی‌گرم در فارماکوپه و بازار دارویی ایران موجود نبود.

اولین یگان ش.م.ر در سال ۱۳۶۲ و در عملیات خیبر تأسیس شد. یگان پدافند شیمیایی با سیصد نفر نیرو و ۲۴ دستگاه خودرو مخصوص و خنثی‌کننده مواد شیمیایی تشکیل شد. ماشین‌هایی که مانند خودروهای آتش‌نشانی است ولی پودر مخصوص خنثی‌کننده مواد شیمیایی را پرتاب می‌کند. اکثر آنها از ترکیبات و محلول‌هایی بود که روی عوامل شیمیایی پایدار اثر می‌گذاشت.

ایران به‌منظور معالجه مجروحان شیمیایی، تعدادی از آنها را در هفته دوم اسفندماه ۱۳۶۲ به کشورهای اتریش و سوئد اعزام کرد. این اقدام باعث شد تا محافل خبری غربی نسبت به جنایات عراق در استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی واکنش نشان دهند. اولاف پالمر نخست‌وزیر سوئد و دبیرکل سابق سازمان ملل در ۱۳۶۲/۱۲/۱۹ از مجروحان شیمیایی ایرانی در یکی از بیمارستان‌های استکهلم بازدید کرد.

خبرگزاری رویترز در ۷ فروردین ۱۳۶۳ در باره استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی چنین نوشت: «دیپلمات‌های مطلع در تهران گفتند مهم‌ترین بخش گزارش کارشناسان تأیید استفاده از عامل عصبی تابون بوده است. آنها گفتند این گاز را آلمان نازی در جنگ جهانی دوم تکمیل و مورد استفاده قرار داد که اثرات هولناک و رنج‌آوری دارد. آنها گفتند عراق ظاهراً متوسل به استفاده وسیع از بمب‌های سولفوری خردل و گاز اعصاب شده است که هم‌زمان با پیشروی ایرانیان در ماه گذشته، به‌صورت بمباران‌های هوایی و آتش توپخانه مورد استفاده قرار گرفته است.»



تجزیه و تحلیل مختصر عملیات خیبر

عملیات خیبر، همچون مقطع عملیات ثامن‌الائمه، مبدأ تحول جدیدی در جنگ بود. در عملیات ثامن‌الائمه جسارت انتخاب منطقه وسیع، که قبل از آن سابقه نداشت، یک ابتکار عمل به‌شمار می‌رفت. بنابراین، مبدأ تحولات بعدی صحنه جنگ شد. عملیات ثامن‌الائمه زمینه و خاستگاه راهبرد عملیاتی جدید و تاکتیک‌های ویژه بود که در عملیات رمضان متوقف شد. در مقطع بعدی نیز همین تحول در عملیات خیبر به چشم می‌خورد، زیرا این عملیات نیز خاستگاه و مبدأ راهبرد عملیاتی جدیدی شد که در یک روند تکاملی رشد یافت. غافل‌گیری، پیچیدگی مانور، مانور آبی-خاکی و عبور از آب، برجسته‌ترین نمودهای عملیات‌های بعدی بودند که از این مقطع ناشی شدند.

گرچه در طراحی عملیات‌های قبلی به شرایط و نیازها کاملاً توجه می‌شد، اما برادران با وجود تأمین نشدن امکانات کامل، با توکل به خدا و داشتن تعهد و غیرت دینی در برابر دشمن، با حداقل‌ها نیز به قلب دشمن یورش برده و در موارد متعدد نتایج خوبی هم کسب کرده بودند. در این عملیات نیز همین روش اجرایی شد و تأخیر بیشتر در اجرای عملیات، با وجود کمبودها، جایز نبود چراکه تبعات زیادی از جمله از بین رفتن غافل‌گیری، تأثیر در اعزام نیرو به جبهه، افزایش مطالبات مردمی و از همه مهم‌تر از دست رفتن منطقه بکر و مناسب هور را در پی داشت.

دشمن در این عملیات برای اولین بار، با استفاده از سلاح شیمیایی، اقدام به بمباران‌های وسیع در سطح منطقه عملیاتی می‌کرد که با توجه به فراهم نبودن امکانات لازم برای مقابله، مشکلات زیادی را برای رزمندگان و مسئولان جنگ ایجاد کرد. البته فرماندهان، بدون فوت وقت، با هماهنگی مسئولان دولتی و بسیج امکانات اولیه شهری و نظامی و برپایی چند نقاهت‌گاه در شهر اهواز، به سرعت نیروها را به عقب تخلیه و اقدام به رفع آلودگی و درمان و سپس بازگرداندن نیروهای کمتر آسیب‌دیده به خطوط مقدم نبرد کردند که این مهم یکی از جلوه‌های اقدامات ابتکاری و خلاقیت نیروهای انقلابی در جنگ نابرابر با دشمن بعثی بود. در حالی که دشمن، علاوه بر بمباران‌های عادی، بمباران‌های شیمیایی را با انواع هواپیما و توپخانه علیه رزمندگان به‌کار گرفته بود، پس از مجبور کردن نیروهای خودی به عقب‌نشینی از مناطق العزیر و القرنه، تمامی بمباران‌ها و فشار زمینی خود را روی جزایر مجنون متمرکز کرد تا بتواند نیروهای اسلام را مجبور به تخلیه جزایر کند.

عملیات خیبر یک اقدام نظامی پرهزینه بود که زمینه و ارزش اقتصادی هم داشت. آقای هاشمی‌رفسنجانی معتقد بود منابع نفتی این جزایر می‌توانست به‌عنوان غرامت جنگ در اختیار ایران



قرار گیرد. البته اگر منطقه ساحل شرقی رودخانه دجله تصرف و جاده بصره-العماره قطع می‌شد، یک هدف راهبردی نظامی تأمین شده بود. انجام عملیات خیبر قابلیت توان دفاعی ارتش عراق را یکبار دیگر مورد تردید قرار داد. با ضرباتی که ارتش عراق از این عملیات دریافت کرد، مجبور شد تا سپاه ششم خود را در هور تشکیل دهد.

علل عمده عدم موفقیت نیروهای خودی در تثبیت کامل عملیات خیبر به عوامل و دلایل زیر مربوط می‌شد. بنابراین، نتیجه نهایی به این ختم شد که نیروهای اسلام بتوانند جزایر مجنون و بخش وسیعی از هور را، که یک منطقه وسیع و دارای منبع عظیم نفتی مشترک با ایران و از اهمیت فراوانی برای عراق برخوردار بود، در تصرف خود نگه داشته و آن را حفظ کنند.

۱. نوع جغرافیای منطقه و اجرای عملیات بر پایه آبی‌خاکی و نداشتن راه خشکی.
۲. اجرای مأموریت حداقلی بخش هلی‌کوپتری در شب عملیات و تأمین نشدن قایق مورد نیاز باوجود محاسبات دقیق در طراحی برای پشتیبانی از عملیات با توجه به عمق زیاد و طولانی عقبه خودی.

۳. محقق نشدن انتظارات از هوانیروز در شرایط نیاز به سرعت عمل به‌عنوان یک عامل اساسی برای رساندن امکانات پشتیبانی.

۴. ترابری بسیار سخت نیروها و امکانات پشتیبانی در بخش زمینی به دلیل تأمین نشدن تعداد قایق مورد نیاز و اجرای مأموریت با حداقل امکانات.

۵. هوشیاری دشمن از غفلت خود نسبت به هدف اصلی عملیات با توجه به از دست رفتن زمان.

۶. استفاده وسیع و گسترده دشمن از سلاح شیمیایی برای اولین بار همراه با بمباران‌های متوالی.

پیوست شماره ۱۰

دستاوردها و بازتاب‌های عملیات خیبر

عملیات خیبر نتوانست به هدف اصلی خود که بستن جاده بصره-العماره بود دست یابد. ولی در حین عقب‌نشینی از شرق دجله، طی سه هفته نبرد سنگین، منطقه‌ای در آب‌گرفتگی هور به وسعت حدود هزار کیلومترمربع به همراه جزایر مجنون شمالی و جنوبی، که دارای ذخایر عظیم نفت بود، به تصرف درآمد. دو جزیره مجنون در مجموع ۱۶۰ کیلومترمربع وسعت داشتند. بیست‌وسه یگان دشمن تا حدود زیادی آسیب دیده و منهدم شدند. ارتش بعثی حدود پنج هزار نفر کشته و زخمی بر جای گذاشت و ۱۳۰۰ نفر از آنان به اسارت رزمندگان درآمدند که چهل افسر ارشد در بین آنان بود. در این عملیات، خسارت چندانی به نیروی هوایی عراق وارد نشد. تنها یک فروند از هواپیماهای ارتش عراق سرنگون شد. همچنین، تعداد سه فروند هلی‌کوپتر و سی دستگاه تانک و نفربر از ارتش عراق منهدم شد و ۴۲



دستگاه تانک و نفربر و ۱۲۰ دستگاه کمپرسی و تعدادی توپ ضد هوایی و خمپاره‌انداز و لودر و بولدوزر به غنیمت درآمد.

شاید از لحاظ فیزیکی همه اهداف مدنظر در عملیات خیبر تصرف نشد، اما این عملیات آثار بسیار زیادی از حیث نظامی، سیاسی و اقتصادی داشت که عمده‌ترین آنها عبارت بودند از:

۱. بُعد نظامی

الف) خروج صحنه نبرد از رکود و بن‌بست‌شکنی در جنگ به‌عنوان مهم‌ترین اثر.
ب) تحمیل اراده جمهوری اسلامی به ارتش متجاوز تا بن دندان مسلح و برخوردار از حمایت کامل شرق و غرب.

پ) وارد کردن ضربه در نقطه‌ای کاملاً دور از مخیله دشمن و اربابانش.
ت) تغییر سریع در سازمان رزم سپاه از عملیات زمینی و خاکی، به آبی-خاکی. (این قابلیت تنها در نیروهای داوطلب در اختیار سپاه پاسداران بود و بس. زیرا هیچ ارتش کلاسیکی به دلیل نیاز به زمان طولانی نمی‌تواند خارج از اصول و آیین‌نامه‌های تعریف‌شده خود و در یک زمان محدود دست به تغییر سریع سازمان رزم خود دهد.)

ث) گسترش و توسعه سازمان رزم سپاه و ایجاد آمادگی و مقدمه‌ای برای عملیات‌های بزرگ و موفقی مانند والفجر ۸ و کربلای ۵. (علاوه بر وارد کردن ضربات سخت و سهمگین به پیکره ارتش عراق، آثار و برکات سیاسی و نظامی آن در دنیا مورد توجه قرار گرفت و توان و قدرت رزمی ایران به رخ دشمنان کشیده شد.)

ج) تأثیر عمیق این عملیات در توسعه ظرفیت‌های طرح‌ریزی و قدرت اداره کردن صحنه و میدان رزم توسط سپاه پاسداران به‌عنوان یکی از اتفاق‌های مهم در این عملیات.

۲. بُعد سیاسی

الف) فشار زیاد به عراق با تصرف جزایر مجنون که یکی از مناطق راهبردی برای این کشور بود.
ب) به‌شمار رفتن تصرف جزایر مجنون به‌عنوان برگ برنده ایران در مذاکرات سیاسی درباره سرنوشت جنگ و مسئله غرامت.

پ) وادار کردن حامیان رژیم بعث عراق به چاره‌اندیشی دوباره برای جلوگیری از موفقیت ایران پس از تهدید منافع قدرت‌های بزرگ و در رأس آنان آمریکا.

ت) بازنگری در سیاست‌های پیشین آمریکا به‌علت نگرانی از احتمال شکست عراق و توجه بیشتر این کشور برای نزدیک‌تر شدن به صحنه جنگ.



ث) احساس خطر بیشتر و پی بردن رژیم بعث عراق به پایان ناپذیری ابتکارات ایرانیان در جنگ، با وجود تمهیدات انجام‌شده او برای کنترل حملات نظامی ایران.

ج) تزلزل در باور نظامیان و کارشناسان نظامی و دور از ذهن بودن ابتکار جدید ایران برای آنان و رسیدن به درک غفلت مطلق راهبردی.

چ) علنی کردن حمایت آمریکا از عراق و آمادگی برای رویارویی با تحولات احتمالی در منطقه خلیج فارس.

ح) دیپلماسی فعال منطقه‌ای آمریکا و تأکید مجدد بر جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات.

خ) هشدار عراق به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و تهدید ایران به مقابله جدی با فراهوانی جامعه جهانی برای خاتمه جنگ.

د) تلاش عراق برای بین‌المللی کردن جنگ.

۳. بعد اقتصادی

الف) از دست دادن جزایر مجنون با توجه به اهمیت زیاد آن به لحاظ اقتصادی برای عراق.

ب) تسلط ایران بر یک منطقه عظیم نفتی و بسیار مهم عراق.

امام خمینی در ارتباط با این عملیات در سخنرانی خود در ۱۳۶۲/۱۲/۰۹ در حسینیه جماران فرمودند:

«آن بیچاره آن‌طور مفلوک شده، دور افتاده به این طرف و آن طرف، قرض می‌کند. دور افتاده به این‌ور و آن‌ور، استدعا می‌کند که بیایید ما را صلح بدهید و دروغ هم می‌گوید. نمی‌خواهد صلح بکند می‌خواهد اغفال کند. [...] اخیراً می‌گویند که خیر، حالا دیگر کار به جاهای مهم رسیده و ممکن است آمریکا وارد بشود و ممکن است چه بشود. اینها همه حرف است. صدام رفتنی است و نه آمریکا می‌تواند نگهش دارد و نه دیگران و من امیدوارم که ان‌شاءالله این غده سرطانی در بلاد مسلمین و آن غده سرطانی در آن طرف بلاد مسلمین که آنجا اسرائیل است و اینجا حزب بعث است، ان‌شاءالله خداوند ریشه این را بکند و ملت عراق خودشان سرنوشت خودشان را به دست خودشان انجام بدهند و ملت ایران هم ان‌شاءالله با قدرت به پیش بروند».^{۱۲}

ایشان همچنین در مورد انگیزه جنگ بیان داشتند: [...] اسلام هیچ‌وقت جنگ نخواست، یعنی ما نخواستیم جنگ بکنیم. آنها جنگ را آوردند برای ما، ما دفاع می‌کنیم. الان هم اگر ما مهلت بدهیم به صدام، اگر این دو ماه مهلت پیدا بکند، دوباره تجهیزش می‌کنند، مجهزش می‌کنند و دوباره یک جای

^{۱۲} صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۱۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۹.



دیگر حمله می‌کند. یک همچو حیوانی را که نمی‌شود رهاش کنیم که سر خود هر کاری می‌خواهد بکند. این تا خفه نشود، این منطقه درست نخواهد شد و آنهایی که به این کمک می‌کنند، نمی‌فهمند، متوجه نیستند.^{۱۳}

پایان

^{۱۳} صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۱۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۶.

